

# روزنامه

دانشگاه صنعتی شریف

## تا همیشه زنده باد ایران

سومین جنگ تحمیلی در پنجاه روز اول...



عکس جلد: سبحان حسن پور

مقاله

### ما دیگر آن آدم سابق نخواهیم شد

را بیشتر درک می‌کنیم؛ با آمریکا و اسرائیل بیش از قبل، دلمان صاف نخواهد شد؛ مسیری که چندین هزار خون پای آن ریخته شده را محکم‌تر طی خواهیم کرد؛ تاب‌آوری‌مان را محکم‌تر خواهیم کرد؛ آب‌تاب‌های این قدرت و آن قدرت کمتر به چشمان می‌آید؛ آثار مخرب جنگ بیشتر بر ایمان جلوه‌گر می‌شود. هدفی که شاید تنها شرط آن، فراموش نکردن و درس گرفتن باشد؛ اینکه اتفاقات پساچنگ و موج‌های رسانه‌ای و چالش‌ها و سختی‌هایش، نتوانند نقاط و نکاتی که این روزها به ذهنمان رسید و مقابل چشم‌هایمان رقم خورد را زیر خروارها خاک فرو ببرند.

زیرساخت هوش مصنوعی، تدریس نمادین در ساختمان تخریب شده، و چندین و چند واقعه دیگر که شما می‌توانید بهتر از من مرورشان کنید. وقایعی که می‌شود درباره هر کدامشان گفت که ما با دیدنشان دیگر مثل قبل نخواهیم شد. دیگر کمتر بذر دودستگی در جامعه خواهیم کاشت؛ دیدگاه‌های همدیگر را بیشتر درک خواهیم کرد؛ داشته‌هایمان را بیشتر قدر می‌دانیم؛ کمتر به اجنبی چشم می‌دوزیم؛ طراحی‌های نظامی و امنیتی خود را بازطراحی خواهیم کرد؛ ارزش علم‌آموزی

همین اتفاقات را دیدیم. تجاوز به ایران درست میانه مذاکره، شهادت رهبر انقلاب، حمله به دبستان میناب، انهدام ناوشکن صلح دنا، تخریب مسجد و بیمارستان و خانه، حضور مردمی در کف خیابان‌ها، حمله به پل‌ها و نیروگاه‌ها و پتروشیمی‌ها و فولادها، انهدام پهپادها و جنگنده‌ها و هواپیماهای انجمنی، شکاف میان نظامیان ناتو، اتحاد مقدس حول ایران، جان‌فدا شدن برای یک آرمان مشترک، تحمل سختی‌های اقتصادی و اینترنتیک چندین اثر هنری در اصحاب فرهنگ، کم‌نیار شدن زیر بار زور و تهدید، مردانگی کرور کرور مرد رزمنده، حمله به دانشگاه و انهدام



سید محمد امین سپیده دم

۱۴۰۱ ارشد سیاست‌گذاری

زندگی آدمی‌زاد از چیزهای مختلفی تشکیل شده است؛ تجربه‌ها، تصمیم‌ها، عقاید و...

بی‌راه نیست اگر بگوییم رنگ و روی هویت آدم را هم همین چیزها تشکیل می‌دهند. اتفاقات زندگی گاهی آنقدر بزرگ و موثر هستند که می‌شود فرد را به قبل و بعد از آن تقسیم کرد و به راحتی معتقد بود که او هیچ‌وقت شبیه گذشته نخواهد شد. ما در این ۵۰ روز، هزار و یک نمونه از

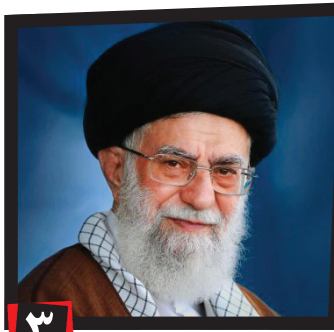
۲

در همان ساعات اولیه، اعلامیه رسمی طرفین متجاوز نیز آغاز «عملیات موج نخست حملات، جنایاتی رخ داد که ابعاد آن فراتر از یک رویداد نظامی بود: بمباران مدرسه دخترانه «شجره طیبه» در شهرستان میناب همه ما را در بهت فروبرد حادثه‌ای که به پرپر شدن حدود ۱۸۰ دانش آموز و معلم انجامید و موجی از بهت و اندوه را نه تنها در ایران، بلکه در افکار عمومی جهان برانگیخت؛ رویدادی که بار دیگر مرزهای اخلاق در جنگ را به چالش کشید. اما این پایان جنایات روزاول نبود؛ تنها چند ساعت پس از فاجعه میناب، حمله‌ای دیگر به یک سالن ورزشی در لامرد، به جان باختن شمار زیادی از هموطنان، به ویژه کودکان این سرزمین، انجامید.



۱

ساعت ۹:۴۰ صبح روز ۹ اسفند ۱۴۰۴، ایران برای دومین بار در کمتر از یک سال، هدف تهاجمی گسترده قرار گرفت؛ تهاجمی که با عملیاتی هوایی و هماهنگ میان نیروهای آمریکا و رژیم صهیونیستی آغاز شد و طی آن، اهداف متعددی در داخل مرزهای ایران، از تأسیسات نظامی و زیرساخت‌های دفاعی گرفته تا مراکز حساس، مورد حمله قرار گرفت.



۴

بامداد یکشنبه ۱۰ اسفند، خبری کوتاه اما سنگین، بار دیگر ایران را در بهت و سوگ فروبرد: رهبر انقلاب، حضرت آیت‌الله سید علی حسینی خامنه‌ای، پس از سال‌ها مجاهدت، به جمع یاران شهیدش پیوست. هم‌زمان، خبر شهادت شماری از فرماندهان عالی‌رتبه نیز منتشر شد تا این روز را به یکی از تلخ‌ترین بکشنه‌های تاریخ معاصر بدل کند.



امیر سپهبد شهید سید عبدالرحیم موسوی  
رئیس ستاد کل نیروهای مسلح



امیر سرلشکر شهید عزیز نصیرزاده  
وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح

۵

در روز ۱۰ اسفند، در پی حمله آمریکا، بیمارستان گاندی تهران دچار آسیب و خسارت‌های گسترده‌ای شد؛ رخدادی که بار دیگر چهره جنایت‌بار این حملات را آشکار کرد.



۳

در واکنش به این تجاوز، نیروهای مسلح ایران عملیات موشکی و پهپادی را در مقیاسی منطقه‌ای علیه پایگاه‌ها و منافع ایالات متحده آغاز کردند. با این حال، شاید مهم‌ترین تصمیم در همان روز نخست، اعلام بستن تنگه هرمز بود؛ اقدامی راهبردی که به سرعت به یکی از بزرگ‌ترین شوک‌های اقتصادی دهه‌های اخیر و تبدیل شد و یکی از حیاتی‌ترین شریان‌های انتقال انرژی جهان را با انسداد مواجه کرد.

۶

در روز ۱۳ اسفند، ایالات متحده ناو «دنا» را که به منظور شرکت در یک رزمایش بین‌المللی عازم هند بود و مسلح نبود، هدف قرار داد؛ حمله‌ای که در پی آن، بیش از ۱۰۰ تن از جوانان این سرزمین در سواحل سری لانکا، غریبان به شهادت رسیدند.



۸

پیامدهای این تهاجم در همان هفته اول، فراتر از میدان نبرد گسترش یافت: تلفات غیرنظامیان، تخریب ساختمان‌ها و زیرساخت‌های شهری، اختلال در خدمات حیاتی و فروپاشی نسبی امنیت روزمره برای میلیون‌ها نفر، چهره‌های عینی از هزینه‌های جنگ را نمایان ساخت.



سردار سپهبد شهید محمد باقر  
فرمانده کل پاسداری انقلاب اسلامی

۷

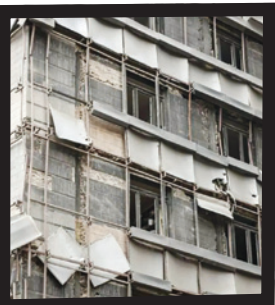
در طول هفته نخست جنگ، تبادل آتش میان طرفین ادامه یافت. هر دو سوی درگیری، از هدف‌گیری و انهدام مراکز راهبردی یکدیگر سخن گفتند. دشمن از حمله به کارگاه‌ها و تأسیسات موشکی و مراکز نظامی ایران خبر داد؛ در مقابل، ایران نیز پایگاه‌های هوایی، مراکز فرماندهی و سامانه‌های راداری پیشرفته دشمن در منطقه را هدف قرار داد.

۹

این تحولات، علاوه بر بعد نظامی، به تشدید تنش‌های دیپلماتیک نیز انجامید. نشست‌های اضطراری بین‌المللی برگزار شد و بسیاری از کشورها خواستار توقف درگیری و برقراری آتش‌بس شدند. هم‌زمان، نگرانی از گسترش جنگ به سطوح فرماندهی افزایش یافت.

۱۰

در کنار همه این‌ها، بازارهای جهانی نیز بی‌تأثیر نماندند. تنها در عرض یک هفته، بازار انرژی و بیمه دستخوش نوسانات شدید شد و قیمت نفت افزایش یافت؛ نشانه‌ای روشن از آن که این جنگ، نه فقط یک درگیری منطقه‌ای، بلکه بحرانی با پیامدهای جهانی است.



## دفته دوم: روزهای امیدواری



● در ابتدای هفته دوم جنگ، ترامپ خواستار «تسلیم بی قید و شرط» ایران شد و در اظهاراتی بی‌شرمانه مدعی گردید که ایالات متحده باید در تعیین رهبر آینده ایران نقش داشته باشد. این در حالی بود که روزنامه واشنگتن پست در گزارشی افشاگرانه، به نقل از یک ارزیابی طبقه‌بندی شده «شورای اطلاعات ملی آمریکا»، اعلام کرد که بر خلاف تمایلات دولت ترامپ برای تداوم حملات با هدف تغییر نظام، این نهاد اطلاعاتی به این جمع‌بندی رسیده است که کارزار بمباران‌ها با احتمال زیاد قادر به سرنگونی ساختار حاکم بر ایران نخواهد بود.

● سحرگاه ۱۸ اسفند، هم‌زمان با شب‌های قدر و پس از برگزاری رای‌گیری مجلس خبرگان رهبری، رسانه ملی پس از حدود یک هفته از اعلام شهادت رهبر انقلاب، خبر انتخاب آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای را به‌عنوان رهبر جدید ایران تأیید کرده خبری که به‌سرعت به یکی از مهم‌ترین تحولات سیاسی جهان تبدیل شد. ● این تصمیم بلافاصله با واکنش‌های بین‌المللی همراه شد. پیام‌های تبریک از سرتاسر جهان سرازیر شدند. در داخل نیز، دکتر پیرشکیان، در یک نطق تلویزیونی بالحنی صریح و تهاجمی به‌اتفاق آمریکایی-صهیونیستی هشدار داد و اعلام کرد که راهبرد «ضربه متقابل و نامحدود» در دستور کار قرار گرفته است؛ راهبردی که بر اساس آن، هیچ‌یک از منافع نظامی و اقتصادی ایالات متحده در منطقه و حتی فراتر از آن، مصون نخواهند بود.

● در ادامه تحولات میدانی، نیروی هوافضای سپاه پاسداران طی ۹ موج پیاپی و هماهنگ، حملات گسترده‌ای از موشک‌های بالستیک را به سوی اهدافی در سرزمین‌های اشغالی انجام داد. سامانه‌های پدافندی اسرائیل اعلام کردند که بخش زیادی از موشک‌ها از لایه‌های دفاعی عبور کرده و مناطق حیاتی، از جمله تل‌آویو، رامات‌گان، پتحتیکوا و بنی‌براک را هدف قرار داده‌اند.

● در پاسخ، ایالات متحده و رژیم صهیونیستی با بهره‌گیری از جنگنده‌های رادار گریز، عملیات تلافی جویانه‌ای را در خاک ایران آغاز کردند. در تهران، هدف قرار گرفتن پالایشگاه‌ها و مخازن بزرگ سوخت در جنوب و غرب پایتخت، به وقوع آتش‌سوزی‌های گسترده انجامید و خسارات سنگینی بر جای گذاشت.

● پیامد این حملات تنها به تخریب زیرساخت‌ها محدود نماند؛ ترکیب دود غلیظ ناشی از سوختن حجم عظیمی از فرآورده‌های نفتی با بارش باران، پدیده‌های موسوم به «باران سیاه» را در بخش‌هایی از تهران و کرج رقم زد؛ تصویبی تلخ از پیوند بحران زیست‌محیطی با جنگ.

● در ادامه، سفیر و نماینده دائم ایران در سازمان ملل متحد، در نشست فوق‌العاده‌ای در نیویورک، با ارائه اسناد و تصاویر، اعلام کرد که شمار قربانیان غیرنظامی از آغاز درگیری‌ها از ۱۳۳۰ نفر فراتر رفته است؛ آماري که در میان آن، دست‌کم ۳۰۰ کودک نیز دیده می‌شود.

● هم‌زمان، گسترش دامنه درگیری به خارج از مرزهای ایران، بحران انرژی جهانی را وارد مرحله‌ای جدید کرد. در بحرین، اصابت پهپادها به تأسیسات پالایشگاهی «ستره» در منطقه المعامیر، آتش‌سوزی شدیدی ایجاد کرد. از سوی دیگر، کاهش قابل توجه ظرفیت تولید نفت عراق، بازارهای جهانی انرژی را با شوکی بی‌سابقه مواجه ساخت.

● در جبهه دیگر، حزب‌الله لبنان نیز وارد میدان شد و با حملات پهپادی، مقر یگان اطلاعاتی ۸۲۰۰ ارتش اسرائیلی را هدف قرار داد؛ خدای که نشان‌دهنده گسترش ابعاد جنگ به سطحی فراتر از یک تقابل دوجانبه بود.

● در ادامه واکنش‌ها به انتخاب رهبر جدید، موجی از بیعت‌های مردمی در سراسر کشور شکل گرفت. مراسم‌های خودجوش در شهرهای مختلف برگزار شد و در این میان، جمعی از دانشگاهیان نیز با راه‌اندازی پویش‌هایی، حمایت و بیعت خود را اعلام کردند. هم‌زمان، آیین‌های شب‌های قدر و عزاداری شهادت امام علی (ع) در فضایی متفاوت برگزار شد؛ حضوری پررنگ و کم‌نظیر از مردم در مساجد و میادین، آن هم در شرایطی که سایه بمباران همچنان بر شهرها سنگینی می‌کرد، توجه و شگفتی بسیاری از رسانه‌های خارجی را برانگیخت.

● در روز ۱۹ اسفند، نیروی هوایی اسرائیل با پشتیبانی ایالات متحده، حمله‌ای گسترده‌تر علیه اهدافی در ایران ترتیب داد. بیش از ۱۷۰ بمب و موشک هدایت‌شونده بر مناطق مختلف، به‌ویژه تهران، فرود آمد. در این حملات، مراکز امدادی از جمله پایگاه‌های هلال احمر، یگان‌های انتظامی و برخی مراکز وابسته به سپاه نیز هدف قرار گرفتند.

● دامنه حملات به غرب کشور نیز کشیده شد و مقر فرماندهی انتظامی کرمانشاه مورد اصابت قرار گرفت. در جبهه دریایی، ناوچه «شهید سلیمانی» در نزدیکی سواحل بندر لنگه هدف قرار گرفت؛ رخدادی که نشان‌دهنده تلاش ائتلاف آمریکایی-صهیونیستی برای تضعیف توان دریایی ایران بود. در پاسخ، ایران طی ۱۲ موج حمله موشکی، اهدافی در سرزمین‌های اشغالی را مورد اصابت قرار داد. تمرکز این حملات بر مناطق شمالی بوده اما مناطق مرکزی نیز بی‌نصیب نماندند و استفاده از موشک‌های دوربرد جدید، شدت و دقت اصابت‌ها را افزایش داد. هم‌زمان، حزب‌الله لبنان با اجرای ۳۱ موج حمله راکتی و پهپادی، جبهه شمالی اسرائیل را فعال کرد؛ اقدامی که با هدف برهم‌زدن تمرکز سامانه‌های پدافندی و ایجاد فشار مضاعف بر مناطق مرزی انجام شد.

● بیت‌هگست، وزیر دفاع ایالات متحده، روز ۲۰ اسفند را «شدیدترین روز حملات» توصیف کرد. در این روز، مناطق اطراف فرودگاه مهرآباد، زیرساخت‌های نظامی در شیراز و تأسیساتی در اصفهان هدف بمباران‌های پیاپی قرار گرفتند. در مقابل، پاسخ ایران نیز ابعادی فراتر یافت و تنها به اسرائیل محدود نماند. در امارات،

منطقه صنعتی الرویس هدف حملات پهپادی قرار گرفت؛ در بحرین، گزارش‌هایی از اصابت پهپاد به یک ساختمان و کشته شدن شماری از نیروهای آمریکایی منتشر شد؛ در عربستان سعودی، میدان نفتی شبیه و پایگاه هوایی شاهزاده سلطان هدف تهدیدات پهپادی قرار گرفتند.

● در تنگه هرمز، نخستین نشانه‌های رویارویی مستقیم میان نیروی دریایی آمریکا و قایق‌های تندرو ایران آشکار شد. این تنش‌ها به‌سرعت بر بازارهای جهانی اثر گذاشت، به‌گونه‌ای که قیمت نفت خام برنت با جهشی محسوس از مرز ۹۰ دلار در ازای هر بشکه عبور کرد.

● هم‌زمان، اسرائیل در روزهای ۱۹ و ۲۰ اسفند با تلفات قابل توجهی مواجه شد. عبور بخشی از موشک‌های بالستیک ایران از سامانه‌های پدافندی و اصابت به مناطق پرجمعیت، خسارات انسانی و مادی گسترده‌ای بر جای گذاشت. در ادامه، دامنه درگیری به عراق نیز کشیده شد و جنگنده‌های آمریکایی موضوعی از نیروهای حشدالشعبی در کرکوک و نینوا را هدف قرار دادند.

● در عرصه سیاسی، دونالد ترامپ مدعی شد که جنگ «به‌زودی» پایان خواهد یافت و از آسیب جدی به توان نظامی ایران سخن گفت؛ ادعایی که با برخی گزارش‌های میدانی و تحلیل‌های مستقل همخوانی نداشت. او همچنین در اظهاراتی تهدیدآمیز از پیامدهای «غیرقابل تصور» در صورت اقدامات پیش‌بینی‌نشده ایران سخن گفت. در مقابل، مقامات ایران هرگونه مذاکره را رد کرده و بر ادامه پاسخ قاطع تا تحقق اهداف خود تأکید کردند.

● در سطح بین‌المللی، آژانس بین‌المللی انرژی پیشنهاد آزادسازی گسترده ذخایر نفتی را برای مهار بحران مطرح کرد. هم‌زمان، نگرانی عمیقی در میان کشورهای وابسته به انرژی خاورمیانه شکل گرفت، چرا که تداوم این جنگ می‌توانست آثار مستقیمی بر تورم و ثبات اقتصادی جهان داشته باشد.

● در لبنان نیز حملات هوایی اسرائیل به آمبولانس‌ها و کادرهای درمانی گزارش شد که به جان‌باختن شماری از امدادگران انجامید؛ رخدادهایی که بار دیگر ابعاد انسانی این جنگ را برجسته کرد و نشان داد که غیرنظامیان همچنان از اصلی‌ترین قربانیان این درگیری هستند.

● نخستین پیام مکتوب رهبر سوم انقلاب، در روز پنج‌شنبه ۲۱ اسفند، به تیتراژ نخست‌رسانه‌ها تبدیل شد؛ پیامی مفصل که در هفت سرفصل تنظیم شده بود و در آن، ضمن گرامی‌داشت یاد رهبر شهید انقلاب، به تبیین نقش و وظایف مردم‌نیزوهای مسلح، دستگاه‌های اجرایی، جبهه مقاومت و همچنین کشورهای منطقه پرداخته شده بود. تأکید بر جبران خسارات، تداوم انسداد تنگه هرمز، حمایت از آسیب‌دیدگان و استمرار حملات به پایگاه‌های آمریکایی، مهم‌ترین محورهای این پیام به‌شمار می‌رفت.

● در همان روز، شورای امنیت سازمان ملل متحد به پیشنهاد

بحرین، قطعنامه‌ای علیه ایران صادر کرد که با ۱۴ رأی موافق و دو رأی ممتنع روسیه و چین به‌نصیب رسید. هم‌زمان، دونالد ترامپ در ادامه مواضع تنش‌آفرین خود، علاوه بر تهدیدهایی غیرمترعارف علیه تیم ملی فوتبال ایران برای حضور در جام جهانی ۲۰۲۶، از احتمال اعزام نیرو برای بازگشایی تنگه هرمز سخن گفت.

● ۲۲ اسفند، هم‌زمان با روز قدس، میلیون‌ها نفر از مردم ایران در راهپیمایی برای حمایت از کشورشان شرکت کردند؛ حضوری گسترده‌ای که با وجود تهدیدات امنیتی در برخی نقاط تهران، حماسه‌ای تاریخی بپا کرد. حضور چهره‌های شاخص حاکمیت در میان جمعیت، به‌ویژه در شرایطی که ادعاهایی درباره استقرار آنان در پناهگاه‌ها مطرح شده بود، بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌ها داشت. در همین حال، حمله به دو ساختمان در نزدیکی مسیر راهپیمایی، به شهادت یک زن انجمن‌دو و بار دیگر فضای این روز را تحت تأثیر قرار داد.

● عصر همان روز، سپاه پاسداران با شلیک چندین فروند موشک بالستیک از جمله موشک‌های خرمشهر، خیبرشکن و فاتح‌اهدافی حیاتی را در سرزمین‌های اشغالی مورد اصابت قرار داد. هم‌زمان، نیروی دریایی سپاه دو نفتکش را در تنگه هرمز توقیف و به بندر جنوبی هدایت کرد. در ادامه این تحولات، پهپادهای گروه‌های مقاومت نیز تأسیسات بندری در صلاله عمان را هدف قرار دادند که بنا بر برخی گزارش‌ها، خساراتی به زیرساخت‌های مرتبط با منافع آمریکا وارد کرد.

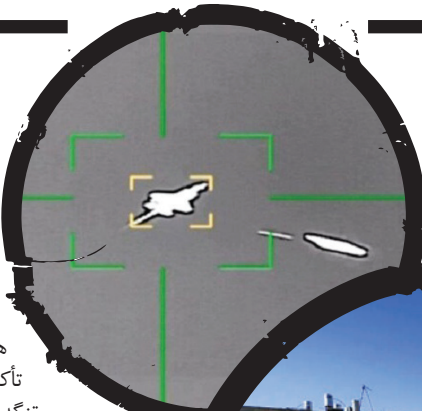
● روز ۲۲ اسفند، تمرکز حملات دشمن بار دیگر بر پایتخت و شهرهای بزرگ قرار گرفت. وقوع انفجارهایی در نزدیکی مراکز رسانه‌ای و درمانی، از جمله حوالی دفتر خبرگزاری الجزیره و یک بیمارستان، نشانه‌ای از گسترش دامنه آسیب‌به مناطق غیرنظامی بود. با این حال، مردم در واکنشی معنادار، با حضور در خیابان‌ها و سردادن شعار، تلاش کردند استمرار حمایت خود از کشورشان را نشان دهند.

● در ادامه تشدید فشارها، وزارت خارجه آمریکا در اقدامی تروریستی جایزه‌ای ۱۰ میلیون دلاری برای کمک به ترور رهبر جدید انقلاب و چندتن از مقامات ارشد ایران تعیین کرد؛ اقدامی که با واکنش‌های گسترده مواجه شد. هم‌زمان، سقوط یک هواپیمای سوخت‌رسان KC-۱۳۵ ارتش آمریکا در غرب عراق، به کشته شدن تمامی سرنشینان آن انجامید. در حالی که پنتاگون علت این حادثه را غیررزمی اعلام کرد، برخی منابع از احتمال اصابت موشک خبر دادند؛ موضوعی که حتی مقامات آمریکایی را وادار به اذعان به پیچیدگی و خشونت بی‌سابقه جنگ کرد.

● در جبهه لبنان، وزارت بهداشت این کشور شمار قربانیان را از آغاز این دور درگیری‌ها ۷۷۳ نفر اعلام کرد. هم‌زمان، دبیر کل سازمان ملل متحد با درخواست ۳۲۵ میلیون دلار کمک بشر دوستانه، بر ابعاد انسانی بحران تأکید کرد؛ درخواستی که بیش از هر چیز، ناتوانی جامعه جهانی در مهار بحران را نمایان می‌ساخت.



بامداد ۲۳ اسفند، جنگنده‌های آمریکایی جزیره خارک، قلب تپنده صادرات نفت ایران، را هدف حمله قرار دادند. اگرچه دونالد ترامپ مدعی نابودی کامل اهداف شد، اما گزارش‌های محلی از تداوم فعالیت تأسیسات اصلی حکایت داشت. در پی این حمله، مقامات ایرانی هشدار دادند که هرگونه تعرض به زیرساخت‌های انرژی، با پاسخ مستقیم به منافع آمریکا در منطقه مواجه خواهد شد.



در جبهه سیاسی، نشانه‌هایی از تغییر لحن در مواضع آمریکا دیده شد. دونالد ترامپ، برخلاف ادبیات تهاجمی روزهای نخست، با اشاره به هزینه‌های سنگین درگیری و آسیب به ناو «جرالد فورد»، از عدم تمایل به ورود به یک جنگ زمینی فرسایشی سخن گفت و بار مسئولیت را بیش از پیش متوجه اسرائیل و متحدان منطقه‌ای کرد. او همچنین مدعی شد حمله به عسلویه بدون هماهنگی مستقیم با آمریکا صورت گرفته است.

ساعاتی بعد، حملات متقابل ایران ابعاد تازه‌ای یافت؛ از هدف قرار گرفتن تأسیسات نفتی فجیره در امارات گرفته تا اصابت یک موشک بالستیک به محوطه سفارت آمریکا در بغداد. این تحولات نشان می‌داد که دامنه جنگ به‌طور فزاینده‌ای در حال گسترش به سطوح فرامنطقه‌ای است.



در واپسین ساعات ۲۳ اسفند، حمله به پژوهشگاه فضایی در شمال دانشگاه که محل فعالیت بسیاری از دانشجویان و اساتید بود، بار دیگر ابعاد انسانی و علمی این جنگ را برجسته کرد؛ حمله‌ای که علاوه بر خسارات فیزیکی، فضای علمی و آموزشی کشور را نیز تحت تأثیر قرار داد.

در روزهای ۲۴ و ۲۵ اسفند، تنش‌های نظامی به اوج خود رسید. یکی از مهم‌ترین تحولات این مقطع، رونمایی و به‌کارگیری «موشک‌های بارشی» توسط ایران بود؛ پرتابه‌هایی با کلاهک‌های خوشه‌ای که با شلیک انبوه، لایه‌های دفاعی سامانه‌های پدافندی ائتلاف آمریکایی-صهیونیستی در خلیج فارس و سرزمین‌های اشغالی را با چالش جدی مواجه کردند. فراتر از خسارات انسانی و مادی، یکی از پیامدهای مهم این حملات، آسیب جدی به ناو هواپیمابر «جرالد فورد» بود؛ به‌گونه‌ای که بنا بر برخی گزارش‌ها، سامانه‌های عرشه پروازی و راداری این ناو دچار اختلال شده و فرماندهی سنتکام ناچار به عقب‌نشینی آن به آب‌های امن‌تر شد.



این روزها در داخل کشور نیز با حوادث تلخی همراه بود. با تشدید درگیری‌ها، موجی از ترورهای هدفمند علیه مقامات امنیتی و نظامی آغاز شد. در این میان، خبر شهادت دکتر علی لاریجانی و فرزندشان، که هر دو نفر آنها از شرفی‌های سابق بودند، بازتاب گسترده‌ای داشت و موجی از اندوه را برانگیخت.

در بامداد ۲۸ اسفند، پدافند هوایی ایران موفق شد یک فروند جنگنده پنهان‌کار اف-۳۵ را بر فراز آب‌های جنوبی کشور رهگیری کند و مورد اصابت قرار دهد؛ رخدادی که بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌های نظامی جهان داشت، به‌ویژه برای اینکه این جنگنده همواره به‌عنوان «شیخ آسمان» شناخته می‌شد.



دکتر علی لاریجانی

با وجود فشارهای شدید نظامی و روانی، صحنه اجتماعی ایران شاهد جلوه‌هایی متفاوت بود. در روزهای ۲۷ و ۲۸ اسفند، تجمعات مردمی گسترده‌ای در شهرهای مختلف برگزار شد؛ حضوری که حتی فضای آیینی چهارشنبه‌سوری را نیز تحت تأثیر قرار داد. مردم با در دست داشتن پرچم‌های ملی، حمایت خود از نیروهای مسلح را اعلام کردند و این تجمعات در برخی مناطق با تشییع پیکر شهدای ناو «دنا» که در آب‌های بین‌المللی هدف حمله قرار گرفته بود، همراه شد؛ صحنه‌هایی که نشان از پیوند عمیق مردم داشت.



در سوی مقابل در روز ۲۶ اسفند، رژیم صهیونیستی با هماهنگی آمریکا، در یک عملیات ترکیبی، تأسیسات گاز عسلویه را هدف قرار داد؛ حمله‌ای که با هدف تضعیف شریان حیاتی انرژی ایران انجام شد و خساراتی به زیرساخت‌ها وارد کرد. ایران در واکنش، با تأکید بر نقش پایگاه‌های منطقه‌ای در پشتیبانی این حملات، اقدام به پاسخ‌های نظامی و امنیتی علیه منافع و زیرساخت‌های مرتبط در قطر، عربستان و بحرین کرد.



# هفته چهارم و پنجم: نوروز در سایه جنگ

## اقتصاد مقاومتی، سایه‌ستیزی و امنیت ملی

● در ایران، نوروز و عید فطر در فضایی جنگی و امنیتی آغاز شد، اما زندگی شهری تاحدی جریان داشت؛ بازار تهران فعال بود، هر چند انرژی جنگ محسوس بود. در همین زمان، رهبر انقلاب در پیام نوروزی، سال جدید را «اقتصاد مقاومتی در سایه وحدت ملی و امنیت ملی» نام گذاری کرد.

● در سطح اجتماعی، تلاش عمومی برای حفظ روال عادی زندگی و هم‌زمان نمایش مقاومت و همبستگی مشهود بود. این وضعیت در تجمعات، کمپین‌ها و فعالیت‌های رسانه‌ای بازتاب یافت و نوروز را با حس مقاومت همراه کرد. حضور گسترده مردم در نماز عید فطر نیز نسبت به سال‌های گذشته چشمگیرتر گزارش شد و نشان‌دهنده فضای همبستگی اجتماعی تلقی گردید.

● روزهای ۱ و ۲ فروردین، درگیری ایران با آمریکا و رژیم صهیونیستی وارد مرحله‌ای بحران چندلایه نظامی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در سطح منطقه شد. در این بازه، ایران حملات موشکی تازمان را به جنوب اراضی اشغالی انجام داد که در شهرهای عراد و دیمونا، نزدیک تأسیسات هسته‌ای و پایگاه‌های حساس، به کشته و زخمی شدن ده‌ها نفر انجامید. مقام‌های صهیونیستی از رهگیری نشدن بخشی از موشک‌ها خبر دادند و آن را نشانه ورود به مرحله‌ای جدید جنگ دانستند؛ در مقابل، ایران تأکید کرد اهداف صرفاً نظامی و امنیتی بوده‌اند.

● هم‌زمان، قیمت نفت به کانون بحران تبدیل شد. ترامپ با تهدیدی تند اعلام کرد در صورت عدم بازگشایی کامل تنگه هرمز، زیرساخت‌های برق ایران هدف قرار خواهد گرفت. در پاسخ، مقام‌های ایرانی هشدار دادند در صورت حمله به تأسیسات انرژی، زیرساخت‌های انرژی، آب‌شیرین‌کن و فناوری اطلاعات دارای سهم آمریکایی در منطقه هدف قرار می‌گیرد. این تنش‌ها فضای عدم قطعیت شدیدی در بازارها ایجاد کرد و بهای نفت را به بالاترین سطح چهار سال اخیر رساند. همچنین اختلال در عبور نفت‌کش‌ها و تهدید مسیرهای صادراتی، قیمت انرژی در اروپا و آسیا را افزایش داد.

● در همین دوره، سطح درگیری فراتر رفت. رویترز گزارش

داد ایران برای نخستین بار موشک‌های بالستیک دوربرد ۴۰۰ کیلومتری را به سمت پایگاه دیو گوگاریا در اقیانوس هند شلیک کرده است. هم‌زمان، حملات متقابل در جنوب اراضی اشغالی و حملات هوایی انتحالی به تهران و نقاط دیگر، نشان داد جنگ به یک درگیری فرسایشی منطقه‌ای تبدیل شده است. درگیری‌ها در جنوب لبنان میان حزب‌الله و اسرائیل نیز ادامه یافت.

● در عرصه سیاسی، آمریکا و اروپا موضعی متناقض اتخاذ کردند. ترامپ از یک سو تهدیدها را تشدید کرد و از سوی دیگر از بررسی «کاهش عملیات» سخن گفت؛ موضوعی که باعث سردرگمی متحدان آمریکاشد. اروپا و برخی کشورهای منطقه بر ضرورت حفاظت از تنگه هرمز و جلوگیری از گسترش بحران تأکید کردند. بریتانیا نیز اعلام کرد پایگاه‌هایش برای عملیات تهاجمی استفاده نخواهد شد. مادر حالت دفاعی باقی می‌ماند.

● ۴،۳ و ۵ فروردین، طبق گزارش‌های رویترز، ایران موج تازمان از حملات موشکی و پهپادی را علیه اهدافی در اسرائیل و پایگاه‌های آمریکا ادامه داد. در مقابل، اسرائیل نیز اعلام کرد حملاتش به تهران و دیگر نقاط ایران ادامه دارد و زیرساخت‌های صنعتی و دریایی کشور را هدف گرفته است. هم‌زمان، ترامپ در موضع‌گیری‌هایی مبهم سعی تماس با «افراد درست» در ایران شد، در حالی که تهران هر گونه مذاکره را رد کرد.

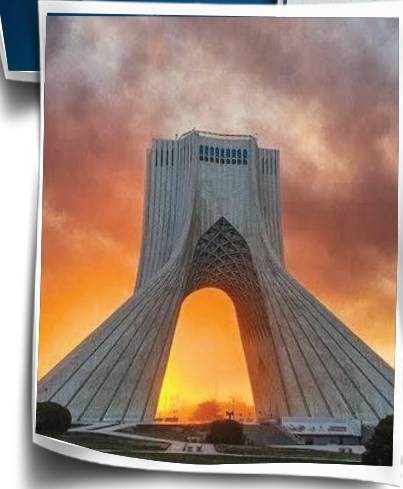
● در عرصه سیاسی، روزهای ابتدایی فروردین بارفت‌وآمد هم‌زمان تهدید و میانجی‌گری سبب شد. در این میان، از طرح ۱۵ بندی آمریکا نیز سخن به میان آمد که شامل توقف غنی‌سازی، محدودسازی برنامه موشکی، کاهش حمایت از متحدان منطقه‌ای و بازگشایی مسیرهای دریایی بود. تهران این طرح را رد و در مقابل، چارچوب پنج‌بندی خود را منتشر کرد و بر تداوم جنگ تا تحقق حقوق قانونی ایران، از جمله توقف درگیری، جبران خسارت و تعیین تکلیف تنگه هرمز تأکید کرد. در همین حال، برخی تحلیلگران هدف انتشار این خبرها را ایجاد فضای گمراه‌کننده در بازارهای جهانی ارزیابی کردند و با وجود نگرانی افکار عمومی آمریکا، بازارها پس از خبرهای مربوط به کانال‌های دیپلماتیک اندکی آرام‌تر شدند.



● با ادامه تنش‌ها، کانون بحران به تنگه هرمز و امنیت انرژی کشیده شد. ترامپ تهدید به هدف قرار دادن زیرساخت برق ایران کرد و در پاسخ، ایران از «انتقام نامحدود» سخن گفت و هشدار داد هر گونه حمله به تأسیسات انرژی با پاسخ به زیرساخت‌های انرژی و آب منطقه مواجه خواهد شد. این تهدیدها موجب نوسانات شدید در بازار نفت و سهام جهان شد و نگرانی از جهش دوباره قیمت انرژی افزایش یافت. هم‌زمان، شرکت‌های انرژی و دولت‌های منطقه نیز محدودیت‌ها و تمهیدات بیشتری برای حمل و نقل دریایی و بیمه نفت‌کش‌ها اعمال کردند. در ادامه، گزارش‌هایی از توقیف بخشی از برنامه‌های عملیاتی آمریکا برای چند روز نیز منتشر شد.

● در سطح منطقه‌ای، فضای درگیری‌ها تشدید شد. اسرائیل از ادامه عملیات در لبنان و طرح ایجاد «منطقه حائل دفاعی» در جنوب این کشور خبر داد و اعلام کرد پدلهای مهم در امتداد رود لیبتانی هدف قرار گرفته‌اند. در مقابل، حزب‌الله و مقامات لبنانی این اقدامات را تهدیدی وجودی دانسته و نسبت به گسترش جنگ به داخل لبنان هشدار دادند. هم‌زمان، گزارش‌هایی از افزایش حضور نیروهای آمریکایی در خلیج فارس برای تقویت گزینه‌های نظامی منتشر شد.

● در سطح دیپلماتیک، کشورهای عربی در نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل، حملات موشکی و پهپادی ایران را



تهدیدی برای امنیت منطقه دانستند و آن را محکوم کردند. کویت و امارات این اقدامات را «تهاجمی» توصیف کرده و پیش‌نویس قطعنامه‌ای در این زمینه به تصویب رسید. در مقابل، ایران و چین تأکید کردند این حملات در چارچوب دفاع مشروع و در پاسخ به حملات آمریکا و اسرائیل انجام شده است. هم‌زمان، گزارش‌هایی از تداوم تلاش‌های غیرمستقیم برای میانجی‌گری از طریق پاکستان، ترکیه و مصر منتشر شد، بدون آن که نشانه‌ای از توافق قریب‌الوقوع دیده شود.

● در حوزه امنیت داخلی نیز، بنا بر گزارش‌ها، نیروهای مردمی، بسیج و نهادهای انتظامی همچنان در تهران و دیگر شهرها حضوری فعال داشتند؛ از برگزاری تجمعات تافزایش ایست‌های بازرسی برای مقابله با ناامنی احتمالی. هم‌زمان با آغاز نوروز، حضور مردم در صحنه‌های اجتماعی و تجمعات نیز ادامه یافت.

● در انتهای هفته چهارم جنگ، مقام‌های آمریکایی از تلاش برای «جمع کردن عملیات در چند هفته» سخن گفتند، اما تحولات میدانی بیش از آن که نشانه پایان جنگ باشد، بیانگر ورود درگیری به مرحله‌ای فرسایشی و چندجبهه‌ای بود.

● در سطح سیاسی، این سه روز با اختلاف نظر میان متحدان غربی همراه بود. برخی کشورهای اروپایی تمایل کمتری به همراهی کامل با آمریکا نشان دادند و این موضوع به انتقاد واشنگتن مواجه شد. در مقابل، چین و پاکستان تلاش کردند با طرح‌هایی مسیر آتش‌بس و مذاکره را باز نگه دارند. در منطقه نیز کشورهای حاشیه خلیج فارس بانگرانی از گسترش جنگ، میان‌هوار ایران و حفاظت از زیرساخت‌های خود در تردید بودند. در مجموع، جبهه سیاسی بر خلاف میدان نظامی، یکدست نبود و شکاف‌های قابل توجهی در میان بازیگران اصلی دیده می‌شد.

● در بعد اقتصادی، مهم‌ترین تحول این سه روز سقوط شدید تولید نفت اوپک و نگرانی از بحران انرژی بود. گزارش‌ها نشان داد که تولید نفت در ماه مارس به پایین‌ترین سطح چند سال اخیر رسیده و کاهش چند میلیون بشکه‌ای در روز ثبت شده است. این افت تولید، همراه با اختلال در تنگه هرمز، باعث شد بازار جهانی با شوک جدی مواجه شود.

در خلیج فارس گزارش شد؛ وضعیتی که با انسداد عبور و مرور از تنگه هرمز، جهش کم‌سابقه قیمت جهانی نفت را به دنبال داشت و برخی تحلیل‌ها از افزایش نزدیک به ۶۰ درصدی قیمت‌ها در طول یک ماه خبر دادند. هم‌زمان، حملات متقابل نیز ادامه یافت و انتحالی آمریکایی-صهیونیستی اهدافی در داخل ایران، از جمله زیرساخت‌های نظامی و صنعتی را هدف قرار داد.

● ۱۱ فروردین، لحن تهدیدها به‌طور محسوس تشدید شد. مقام‌های آمریکایی اعلام کردند روزهای آینده برای تعیین مسیر جنگ «حیاتی» خواهد بود و در صورت عدم پیشرفت در مذاکرات، احتمال گسترش حملات وجود دارد. هم‌زمان، گزارش‌هایی از ورود نیروهای تازه‌نفس آمریکایی به منطقه منتشر شد که از آمادگی برای سناریوهای شدیدتر، حتی در سطح درگیری زمینی، حکایت داشت. در مقابل، ایران هشدار داد در صورت ادامه فشارها، منافع اقتصادی و دفاتر شرکت‌های آمریکایی در منطقه را هدف قرار خواهد داد. این تقابل نشان می‌داد جنگ وارد مرحله‌ای شده که آمریکا هم‌زمان از «تشدید عملیات» و «گزینه مذاکره» سخن می‌گوید، در حالی که ایران بر ادامه مقاومت تأکید دارد.

● ۱۲ فروردین، بار دیگر شاهد حمله به زیرساخت‌های کشور بودیم؛ این بار دشمن شرکت‌های فولادی را هدف قرار داد. مجتمع‌های فولاد مبارکه و فولاد خوزستان متحمل خسارات سنگینی شدند که به گفته مسئولان، بازگشت آن‌ها به چرخه تولید، نیازمند ماه‌ها بازسازی خواهد بود؛ خدای که بار دیگر عمق دشمنی آمریکا و رژیم صهیونیستی را آشکار ساخت.



متحدانش ادامه خواهد داشت؛ خدای که دامنه بحران را به دریای سرخ و باب‌المنندب گسترش داد.

● هم‌زمان، در داخل ایران نیز صحنه اجتماعی خالی از تحرک نبود و گزارش‌های محلی از تجمعات مردمی حکایت داشت. در این تجمع‌ها، مردم با پرچم‌های ایران و شعارهای حمایتی، حضور خیابانی خود را به عنوان نشانه‌ای از انسجام داخلی و پشتیبانی از نیروهای مسلح به نمایش گذاشتند.

● ۹ فروردین، خبری تلخ بار دیگر مردم ایران را در سوگ فرو برد؛ در یادار دریادل علی‌رضا تنگسیری، فرمانده نیروی دریایی سپاه، در نوار ساحلی جنوب کشور و در حین انجام مأموریت، در راه ایران به شهادت رسید.

● ۱۰ فروردین، ابعاد بحران انرژی پررنگ‌تر شد. حمله به یک نفتکش در نزدیکی دبی و اختلال گسترده در تردد کشتی‌ها

● هفته پنجم جنگ با حمله به دانشگاه صنعتی اصفهان آغاز شد؛ حمله‌ای که بار دیگر نشان داد دشمن از هدف قرار دادن زیرساخت‌ها ابایی ندارد و برای خود هیچ محدودیتی قائل نیست.

● ۸ فروردین، دشمن بار دیگر حمله‌ای خوشونت‌بار به یکی دیگر از دانشگاه‌های ایران انجام داد و دانشگاه علم و صنعت، به‌عنوان دومین قربانی این موج حملات در میان مراکز علمی، هدف قرار گرفت.

● اما مهم‌ترین خبر نظامی ۸ فروردین از یمن منتشر شد؛ جایی که مقاومت یمن رسماً اعلام کرد برای نخستین بار از آغاز این جنگ، اسرائیل را هدف حمله قرار داده است. اسرائیل نیز از رهگیری یکی از موشک‌های شلیک‌شده خبر داد. حوثی‌ها تأکید کردند این حملات تا زمان توقف «تجاوز» علیه ایران و



این عملیات آشکار شد و از آن به‌عنوان یک شکست جدی یاد گردید. هر چند جزئیات کامل همچنان روشن نیست، برخی گزارش‌ها حاکی از آن است که هدف این عملیات فراتر از نجات خلبان بوده و حتی احتمال تلاش برای خارج‌سازی ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده مطرح شده است؛ تلاشی که در نهایت با ناکامی و شکست مواجه شد.

● بامداد ۱۷ فروردین، حمله به دانشگاه صنعتی شریف، یکی از تلخ‌ترین لحظات این جنگ را رقم زد. شریف خانه ما که بخشی از هویت ماست، هدف حمله قرار گرفت و آسیب دید؛ رخدادی که بازتابی عمیق در میان جامعه دانشگاهی و افکار عمومی داشت.

● در روزهای ۱۶ تا ۱۸ فروردین، لحن تهدیدهای آمریکا بار

دیگر تشدید شد. ترامپ با تکرار ادبیات پیشین، از حملات گسترده‌تر و حتی «نابودی زیرساخت‌ها» سخن گفت و زمانی مشخص را برای تشدید عملیات اعلام کرد. در همین بازه، حملات به زیرساخت‌های صنعتی و غیرنظامی ایران نیز ادامه یافت و خساراتی بر جای گذاشت.

● در مقابل، سپاه پاسداران حملاتی را به تأسیسات انرژی در امارات، کویت و بحرین انجام داد. در کویت، آتش‌سوزی در برخی مجتمع‌های صنعتی و خروج بخشی از واحدهای تولیدی از مدار گزارش شد و این رخدادها به سرعت بازارهای انرژی و بیمه را ملتهب کرد.

● هم‌زمان، ایران تلاش کرد نشان دهد دامنه پاسخ‌هایش محدود

به یک جبهه نیست. گزارش‌هایی از هدف قرار گرفتن نیروهای آمریکایی مستقر در جزیره بوبیان کویت و همچنین حمله به مسیرهای انتقال انرژی در عربستان، از جمله خط لوله شرق-غرب در یمن، منتشر شد. این تحولات نشان می‌داد جنگ از محدوده اولیه خود فراتر رفته و به زیرساخت‌های حیاتی منطقه گسترش یافته است.

● در چنین فضایی، بامداد چهارشنبه ۱۹ فروردین،

خبر اعلام آتش‌بس دو هفته‌ای با میانجی‌گری پاکستان منتشر شد؛ توافقی که از همان ابتدا شکننده و مبهم به نظر می‌رسید. بر اساس این توافق، آمریکا متعهد به توقف حملات شد و در مقابل، ایران تسهیل عبور امن از تنگه هرمز را در دستور کار قرار داد. با این حال، اختلاف در تفسیر مفاد آتش‌بس به سرعت آشکار شد: واشنگتن از آتش‌بس مشروط سخن می‌گفت، در حالی که تهران بر حق خود در مدیریت امنیت تنگه هرمز تأکید داشت.

● پذیرش این آتش‌بس، بیش از هر چیز تحت تأثیر

فشارهای اقتصادی و انرژی و هزینه‌های فزاینده جنگ ارزیابی شد. بازار نفت با شوک‌های شدید مواجه شده بود و ادامه درگیری می‌توانست بحران را به سطحی گسترده‌تر بکشاند. با این حال، این آتش‌بس بیش از آن‌که نشانه پایان جنگ باشد، به‌عنوان یک مکث موقت تلقی شد.

● این وضعیت به سرعت با تفسیرهای متناقض تضعیف شد.

اسرائیل اعلام کرد آتش‌بس شامل جبهه لبنان نمی‌شود، در حالی که میانجی‌ها بر شمول آن تأکید داشتند. در ادامه، حملات گسترده اسرائیل به بیروت و جنوب لبنان، با تلفات سنگین، عملاً این توافق را در سطح منطقه‌ای بی‌اثر کرد. در واکنش، ایران نیز بار دیگر از محدودیت در عبور نفتکش‌ها در تنگه هرمز خبر داد.

● این ۴۰ روز جنگ، برای افکار عمومی ایران حامل

پیامی روشن و تلخ بود؛ پیامی از جنس تجربه و واقعیت: اینکه دشمن در پیگیری اهداف خود، از هیچ جنایتی ابا ندارد و همان دشمنی است که بارها در مقاطع مختلف، آتش جنگ را برافروخته است. تجربه‌ای که بار دیگر نشان داد نمی‌توان به طرفی که در بزنگاه‌ها جز خصومت و آسیب، چیزی به این سرزمین عرضه نکرده، اعتماد کرد؛ چرا که این دشمن، نه دیروز خیر مردم را خواسته و نه امروز و فردا نیز خواهد خواست.

● ۱۳ فروردین، حملات آمریکا به زیرساخت‌های غیرنظامی ایران ابعاد تازه‌ای پیدا کرد. «پل بی ۱» به‌عنوان یکی از سازه‌های شاخص مهندسی کشور

چندین بار هدف حمله قرار گرفت. پس از آن، ترامپ تهدید کرد که «پل‌ها در نوبت بعدی هستند» و نیروگاه‌های برق نیز می‌توانند هدف قرار گیرند. او در سخنرانی خود هشدار داد در صورت عدم تمکین ایران، دامنه حملات به حوزه انرژی و نفت گسترش می‌یابد و حتی از بازگرداندن ایران به «عصر حجر» سخن گفت. در مقابل، بیش از ۱۰۰ حقوقدان آمریکایی این اقدامات را بالقوه مصداق نقض حقوق بین‌الملل و کنوانسیون ژنو دانستند. ایران نیز در واکنش، زیرساخت‌های انرژی و فناوری مرتبط با رژیم صهیونیستی و منافع آمریکایی در منطقه را هدف قرار داد.

● در روزهای ابتدایی هفته ششم جنگ، اسرائیل از تداوم حملات

خود علیه ایران و لبنان خبر داد، آمریکا از تشدید بیشتر تنش نظامی سخن گفت و هم‌زمان تهران نیز بر ادامه پاسخ‌های خود تأکید کرد. در این بازه، هیچ‌یک از طرف‌ها نشانه‌ای از عقب‌نشینی نداشتند و جنگ، به‌جای فروکش، در قالبی منطقه‌ای ادامه یافت.

● ۱۴ فروردین، مهم‌ترین روز نبرد هوایی این مقطع بود.

در این روز، یک جنگنده آمریکایی بر فراز ایران منهدم شد و عملیات جست‌وجو برای خدمه آن آغاز گردید. بر اساس برخی گزارش‌ها و تحلیل تصاویر، هواپیمای ساقط‌شده احتمالاً یک F-16 Strike Eagle بوده است؛ جنگنده‌ای دونفره که گفته می‌شود یکی از خدمه آن نجات یافته و سرنوشت خدمه دیگر نامشخص است. مقام‌های ایرانی از مردم خواستند در صورت مشاهده هر گونه نشانه، آن را گزارش کنند و برخی منابع از احتمال اسارت یا کشته‌شدن خدمه دوم خبر دادند.

● در همان روز، حاشیه خلیج فارس نیز هدف حملات ایران قرار گرفت. کویت

از آسیب به یک پالایشگاه و تأسیسات آب‌شیرین‌کن خبر داد و اعلام کرد مہار کامل آتش‌سوزی هنوز انجام نشده است. در بحرین آژیرهای خطر به صدا درآمد و در امارات نیز اصابت پهپادها به یک میدان گازی موجب آتش‌سوزی شد. این تحولات هم‌زمان با افزایش نگرانی بازارها، باعث جهش دوباره قیمت نفت شد.

● این‌ها تنها اتفاقات پرسر و صدای روز ۱۴ فروردین نبود؛ دشمن

در همان روز، بار دیگر به حریم علم تعرض کرد. این بار، دانشگاه شهید بهشتی به‌عنوان سومین قربانی در میان دانشگاه‌ها، هدف این حمله قرار گرفت؛ رخدادی که بار دیگر نشان داد آتش جنگ، مرز میان میدان نظامی و عرصه علم و آموزش را نیز درنور دیده است.

● جبهه لبنان نیز بار دیگر فعال شد. اسرائیل بیروت را هدف حملات

هوایی قرار داد و آن را حمله به زیرساخت‌های نظامی حزب‌الله توصیف کرد. هم‌زمان، سفارت آمریکا در بیروت از شهروندان خود خواست لبنان را ترک کنند. در جنوب این کشور نیز سه نیروی یونانی در پی انفجاری ناشی از آتش رژیم صهیونیستی زخمی شدند.

● در این بازه، جنگ ایران، آمریکا و اسرائیل وارد فاز تازه‌ای

شد؛ مرحله‌ای که هم‌زمان با جست‌وجوی خلبان آمریکایی سرنگون‌شده در خاک ایران، افزایش حملات تلافی‌جویانه و فشار بر تنگه هرمز تعریف می‌شود. این جست‌وجو با عملیات پرخطر آمریکا و درگیری در مناطق کوهستانی جنوب غرب کشور همراه بود.

● در ۱۵ فروردین، عملیات جست‌وجو برای خدمه مفقود ادامه

یافت. گزارش‌ها از یک عملیات گسترده نجات با استفاده از نیروهای ویژه، بالگردهای امدادی و مسیرهای شناسایی پیچیده خبر می‌داد. در جریان این عملیات، به روایت برخی منابع، بالگردهای آمریکایی هدف قرار گرفتند، اما موفق به خروج از آسمان ایران شدند و مأموریت ادامه یافت.

● بامداد ۱۶ فروردین، آمریکا با تجاوز به استان اصفهان و به‌کارگیری هواپیماهای

HC-۱۳۰ و چندین بالگرد، عملیاتی را آغاز کرد که در ابتدا به‌عنوان تلاش برای نجات خلبان معرفی شد. اما با انتشار تصاویر بقایای تجهیزات منهدم‌شده، ابعاد دیگری از



## ایران پرچمدار

روایتی چند وجهی از خوانش شاهنامه‌ای جنگ ۴۰ روزه

ایمان امانی

۴۰ علوم کامپیوتر



در این ۵۰ روز زنده کننده، آنچه یار و باور همیشه همراه مردم در متن زندگی و «غیر» روزمرگی‌هایشان بود، صحنه‌آرایی و میدان‌داری مثال‌زدنی‌شان در مختصات جنگ نام‌گرفت، یک هم‌جوشی همدلانه که بار دیگر در یک فضا و زمان منحصر به‌فرد، عنصر تعیین‌کننده‌ای در مقابل کارتهای پوچ و قمار آلود طرف متوهم آمریکایی-صهیونیستی به‌شمار آمد. گویی خداوند بعثتی پیغمبرانه در سرنوشت محتوم تمدن ایرانی به کار بسته است. بعثتی که معادلات و محاسبات تک‌متغیره‌ی دشمن را نقش بر آب می‌کند؛ و در ادامه، چشم بدخواهان و بداندیشان ایران را که با هر «منفعت خلاف جهت» یا «ابتدال آگاهی»، پیگیر پروژه‌ی «عصر حجر سازی» ایران هستند را به خواب تعبیرناپذیری فرو می‌بندد؛ باشد تا در این رویای خامشان، به خواب ابدی بروند.

آنچه در این موقف زمانی سعی داریم از آن قصه‌ای سلحشورانه بازگو کنیم، مروری بر حوادث جنگ تحمیلی سوم است؛ روایتی منسجم از زوایای موضوعی مختلف به‌مساله‌ی ایران و جنگی که از منطقه و فرای آن بر علیه‌مان شکل گرفت. از راه‌هایی گفتیم که با شهادت جمع کثیری از فرماندهان و مقامات، ادامه یافت، روایت فتحی کردیم از پای لانچر نشینانی که پیوند مستقیمی با جایگاه مستحکم ایران پس از جنگ دارند، از هر مزی که رگ خاموشی اقتصاد جهانی را مدتی (تا همین لحظه!) تحت شعاع قرار داد و دلبری موشک‌هایی که زمین کارزار نبرد را به منطقه گسیل داد، از حزب‌اللهی نوشتیم که او هوای ایران را داشت و ایران نیز بالاخواه او در آمد. در این نوشتار، از مرده‌ی گفتیم که کار را تمام کردند و خط قرمز میهن‌شان را، به‌عنوان نقطه‌ی اتصال به هم‌میهنانشان تعریف نمودند. از سویی کوشش داشتیم که جنایات شکل گرفته توسط دشمن صهیونی-آمریکایی را باری دیگر بازخوانی کنیم، از مدرسه‌ی میناب گرفته، تا تخریب حداقل ۱۳۲ بنای تاریخی، همچنین اشارات محکمی بر حملات جنایت‌محور بیگانه بر علیه دانشگاه شریف، پژوهشگاه فضایی، انستیتو پاستور ایران و فولاد مبارک که گوشه‌ای از نقاط بررسی است؛ خساراتی که هر کدام به‌عنوان پرونده‌ی مستقل برای مسئولین قابل پیگیری و برای شنونده و خواننده‌ی این گفتار سرشار از درس و تجربه است.

اسرائیل جنایت‌پیشه، سعی حرامی بر یک خطی تمام کردن ماجرای جنگ در همان دقایق روز اول داشت، اقدامی که به خیال باطل‌شان خلع سلاح اندیشه‌ای و راهبردی کلانی برای ایران وضع می‌کرد و «خواهیم دید چه می‌شود» معروف قمارباز را به ایستگاه نتیجه می‌رساند. اما دیدیم که چه شد! زمانی که اولویت‌های باری دیگر به «ایران» گره خورد و مردم با هر عقیده و بغضا دلخوری‌ای از عملکرد موضعی مملکت داشتند، پای پرچم‌شان ایستادند. چه خوب در حافظه‌ی تاریخی‌مان تداعی شده است که خیر جمعی در به‌دست

آوردن «ارزش مشترک» حاصل می‌شود و اگر کارد به استخوان هم برسد نباید فکر «بحران استقلال و وحدت ملی» را به زبان آورد. نصیحت‌اندیشه‌ی ایرانی در زیست تجربه‌گرای خود برای یک چنین روزی که «عصر پیچ تاریخی» نام گرفته، در جمله‌ی «استقلال دمرتبه به دست نمی‌آید» خلاصه می‌شود. امور مختلفی هستند که بر آنها «قضا» پیش‌بینی شده، اما «استقلال و یکپارچگی ملی، قضاندارد». اثبات عملی این مهم را نیز مردم همیشه در صحنه پیاده‌سازی کردند؛ مردمی پریشان، ولی غیر پشیمان! همان‌هایی که پس از نهم اسفند ماه و با شهادت رهبرمان، عرصه‌ی جهانی را به فیلم کلاسیکی بدل کردند که اینک از طریق لنز دوربین «سیاه و سفید» دنیا را به «سمت درست و غلط» تاریخ تقسیم می‌کند؛ روزگاری که فارغ از تفکرات نسبی‌انگاران، شهروندان ایرانی را «مجبور و محدود به انتخاب» کرد، آزمون غیرتی که بار دیگر ثابت کرد این آفتاب هرگز غروب کردنی نیست. شهادت رهبر ایران، همچون صاعقه‌ای بود، برای اهل ایران «حرارتی شد بر قلبشان»، و برای نااهلان به این خاک و بوم «آتشی شد بر تل خاکسترشان». میدان‌هایی که مدتی پیش جولانگاه افراد ضد ساختار و ناپابند به‌مانی ملی بود، اینک معرکه‌ای از قاب‌های حماسی شد؛ حضور فعالانه آحاد گوناگون ملت، آن‌هایی که از ذهن و زبان هم‌دل با ایران بودند و اینک به تفکر خود جامه‌ی عمل پوشاندند.

و اما بر سیم به نقاط تاریک داستان، قاب نگاه را به قلب بی‌تمدنی و سیاهی‌ای ببریم که کافران همه را به کیش خود می‌پندارد؛ کسی از بی‌تمدنی سخن می‌گوید که خود کمتر از ۸۰ سال تاریخ «جعلی» دارد! کسانی از حجر دم می‌زنند که خود را ناجی بشر و محق جایزه‌ی صلح نوبل خیال می‌کنند! آمریکا و رفیق دزدی که با رزومه‌ی سرشار از سوء نیت در پرونده‌ی ایستین، اینک بالای جان دختران میناب شدند؛ خسارتی جبران‌نشده بر قلب خانواده‌هایشان و مردم داغدار ایران. دخترانی که در ادامه با برداشتن رسانه‌ی مثبت حاکمیت، رسوایی عیانی برای بی‌آبرویان غربی دست‌وپا کرد و در نهایت با ابتکار نام‌گذاری «هیات ایرانی میناب ۱۶۸» در مذاکرات اسلام آباد به اوج خود رسید.

آن سوی زمین جنایات شرکای جانی، که در قالب «بسته‌ی کمک‌های ایران» وعده داده بودند، نصیب پژوهشگاه فضایی، پاستور و خود دانشگاه شریف عزیزمان شد. یک پرده از این پرونده‌ی علم ستیز و سیاه‌بازبان وزیر علوم، دکتر سیمایی صراف، در حاشیه‌ی بازدید از پژوهشگاه هوافضا آشکار شد. به گفته‌ی ایشان، این مکان محلی بوده که محققان و پژوهشگران در حوزه‌های غیر نظامی از جمله زیست‌شناسی، کشاورزی و نقشه‌برداری مشغول فعالیت‌های پژوهشی بودند که متأسفانه دو بار مورد حمله ددمنشانه دشمن قرار گرفته است. روضه‌ای که مضاف بر درد سنگین حمله به زیرساخت‌ها، جامعه‌ی علمی را آزرده می‌کند، شهادت بیش از ۶۰ دانشجو و ۱۰ استاد است؛ شهادت‌هایی که راهشان با توجه به عنایت همکاران دلسوز خود، پررهور خواهد بود. کمی



زوایه را به سمت خودمان

بچرخانیم، با خیانت بر علیه شریف روبرو می‌شویم؛ جنایت هولناکی که حمله به قلب فناوری کشور قلمداد شد و نماد جنون و جهل تمدن بی‌اساس غرب را نمایان کرد. هنگامه‌ی مردان میدان‌های مختلف نظیر دکتر عارف، دکتر عراقچی موضع‌گیری کردند؛ خیل کثیری از نهاد‌های دانشجویی و دانشگاهی، فردی یا تشکیلی، بر علیه آن تاختند و پای دکتر افشین، دکتر سیمایی صراف، دکتر مدنی زاده و حتا فرستاده‌ی ویژه‌ی سازمان ملل را به نقطه‌ی جنایت باز کرد. خدا در لحظه‌های تدریس دکتر زارعی، استاد دانشکده‌ی ریاضی، نیز خدایی کرد و غوغای تکرار نشدنی این مرد عرصه‌ی عمل را بر جریده‌ی تاریخ گواه ساخت. خودنمایی غیر ایرانی که اگر پایش برسد، انسان فکور ایرانی جان خود را با خدایش معامله می‌کند! همچنین دست مردان مرد و کارمندان زحمتکش دانشگاه رانیز به گرمی باید فشرد، «به خیلی دمتون گرم» بدهکاریم به تک‌تک پایمردانی که پای کار بودند. ریل‌گذاری‌ی روایت را به سمت سلسله جنایت زیرساختی که شاهد مثال‌های آن پل B1 کرج و سالن ورزش لامرد است می‌بریم. دو نقطه‌ی پررنگی که یکی مصداق افتخارات ترامپ است و دیگری مصداق جنایت‌علنی جنگی! به‌گواه نیویورک تایمز در حمله به لامرد، از موشک بالستیک موسوم به PrSM استفاده شد؛ موشکی که تا به حال آزمایش نشده بود و این قوم تبهکار و متخاصم، ایران را با محیط آزمایشگاهی خود اشتباه گرفتند! موشکی که به استناد مراجع آگاه، از امارات شلیک شده بود و طوری طراحی شده که بالای هدف خود منفجر می‌شود و ترکش‌های آن در هوا فوران کرده و فاجعه‌ی تخریبی به بار می‌آورد. ماشین نظامی آمریکا بار دیگر ضدیدت خود با هر گونه مراتب اخلاقی و حقوقی را اثبات می‌کند! متجاوزان نامید، که نتوانسته‌اند به توهمات شیطنی خود پی ببرند، به توفیق دارو نیز که تولیدکننده‌ی مواد دارویی فعال، از جمله داروهای ضد سرطان، حمله کردند. وضعیتی که به‌قول اسماعیل بقائی، سخنگوی وزارت امور خارجه، «پرچانگی‌ای است که دم فرو نمی‌بندند، شاید این پرچانگی بی‌پایان، از هراس شنیدن

صدای وجدان خودشان است!». حضور قهرمانانه ملت رشید پرورمان که اینک با کارت تنگه هرمز و تهدید منطقه‌ای، توانست جمع جهات هزینه‌های بین‌الملل را به دوش جبهه‌ی شر مقابل متحمل سازد نیز تماشایی بود. همچنین حضور گسترده ایران در منطقه که نشانه‌ی سازنده‌اش را آتش‌بس لبنان جستیم، بار دیگر بازو‌های برون مرزی‌مان را به‌عنوان یک خصوصیت بازدارنده‌ی ثانویه به گوش جهانیان رساند. آتش‌بسی که جدا از جنبه‌های سیاست‌ورزانه، ایران را به‌عنوان «هم‌پیمان وفادار» دوستان خود معرفی کرد. منطقی که شهید لاریجانی در آخرین سفر خود به لبنان، بدون لکت و با اقتدار به خبرنگار لبنانی بازتاب داد و فرمود: «خالت در امور را کسی می‌کند که به شما طرح می‌دهد». وفاداری‌ای که مبنای کنش‌گری ایران است و نفیسه کوهنورد، خبرنگار ارشد حوزه‌ی لبنان، طبق مشاهدات خود آن را یک موفقیت برای ایران توصیف کرد؛ سرنوشتی که به گزینگی روی میز «تنگه‌ی هرمز» گره خورده بود! در این میانه‌ی غبار آلود اما، در زمانه‌ای که ماشین کشتار انسانی آمریکایی-صهیونی به‌ویژه تیربار علیه بشریت است، این نظام ایران است که با فکر و راه جدید خود، در منافع قلدر های عالم در برخورد و اصطکاک است و در مقابل تجاوز بیگانه سر خم نمی‌آورد. رویای بی‌وطنان واجب‌المطبی که راه‌حل برون‌رفت از چالش‌های اقتصادی اجتماعی ایران را در یک ابتدال سیاسی ساده‌سازی شده، حمله‌ی نظامی می‌دانستند و اینک این افراد و این افکار در زباله‌دان تاریخ به فراموشی پیوستند! و آن روی سکه، خوشا به حال ملت آگاهی که میان دشمن و وطن، ننگ را به جان خود نخرید و شک نکرد. در نهایت این شاهنامه‌ای که به پایان خوش آن نزدیکیم، انتظار داریم که اقدامات موثر باز بگردان میدان‌های داخلی، چاره‌ی فردای ایران پسا جنگ باشد. همچنین، رغبت و امید داریم که تحکم وحدت و وفای به‌عنوان علاج مشکلات داخلی، و خوش‌عملی سربازان کشور که درپرز در نبرد و امروز در چهار چوب دیپلوماسی هستند، در دستور کار آقایان باشد.



مدیرمسئول:  
امید اخوان

جانشین مدیرمسئول:  
سید محمدامین سپیدهدم

همکاران این شماره:

سبحان حسن پور، محمد فاطمی مفرد، امیرعلی زلیکانی، ایمان امانی، حسن اشراقی، احمد رضا مجیدی

سرویس عکس:  
مهدی نوروزی

صفحه آرا:  
داوود سرخوش

تقدیم می‌شود به ...

این شماره در کنار تمامی چهره‌ها و شهدا و دارایی‌های مادی و معنوی ارزشمند در روزهای جنگ تحمیلی سوم، تقدیم می‌شود به زیرساخت‌های نظامی! چه انسانی‌هایی که می‌شوند سربازان و فرماندهان و چه تجهیزاتی‌اش که می‌شود پدافندها و موشک‌ها و پادگان‌ها و انبارهای مهمات... دارایی‌هایی که در حجم توجه به حملات علیه زیرساخت‌های مهم و ارزشمند غیرنظامی، کمتر مورد توجه بودند و در ذهن برخی رسانه‌های داخلی و خارجی، اصلاً انگار ساخته شده بودند تا مورد حمله قرار بگیرند و منفجر شوند! به احترام تمامشان که یک رکن اساسی از غرور این روزهای ما بودند و هستند و خواهند بود...

## ۸ قاب و یک کلام

### به احترام هشت شهید دانشگاه در جنگ سوم تحمیلی

این ۸ نام، در ظاهر فقط چند تصویر کنار هم هستند؛ اما در عمق، یادآور یک حقیقت‌اند: ما می‌توانیم متفاوت باشیم، اما نمی‌توانیم بی‌ارتباط باشیم. آنچه در نهایت تعیین‌کننده است، نه رشته‌ی تحصیلی است، نه شهر، نه جایگاه؛ چیزی عمیق‌تر است، ریشه‌دارتر. و شاید فردوسی این «ریشه» را بهتر از همه گفته باشد: چو ایران نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد همه روی یکسر به جنگ آوریم جهان بر بداندیش تنگ آوریم همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم اگر کشته گردیم، باکی نیست که دشمن در این بوم و بر جای نیست این، فقط یک بیت نیست؛ یک هشدار است. اینکه اگر این پیوند از میان برود، چیزی از ما باقی نمی‌ماند. اگر بماند، حتی در دل اختلافات، می‌تواند ما را دوباره کنار هم جمع کند.

همین، ساده و تلخ، تبدیل می‌شود به عمیق‌ترین وجه اشتراکشان. وقتی این تصویر را وسیع‌تر می‌کنی، می‌بینی این فقط یک اتفاق نیست؛ تکرار یک الگوی تاریخی است. در طول زمان، آدم‌هایی با زندگی‌های کاملاً متفاوت، در لحظه‌ای خاص، به یک نقطه رسیده‌اند: ایستادن برای ایران. از نام‌های بزرگ تاریخ تا انسان‌های گمنامی که فقط خاطره‌ای از آن‌ها باقی مانده، همه در یک چیز مشترک بوده‌اند؛ اینکه در لحظه‌ی تهدید، «تفاوت» را کنار گذاشته‌اند و به «تعلق» رسیده‌اند. شاید به همین دلیل است که در هر بحران، پیش از هر چیزی، این پیوند هدف قرار می‌گیرد؛ دشمن تلاش می‌کند فاصله‌ها پررنگ شود، اختلاف‌ها برجسته شود، و «ما» به «من» تبدیل شود. چون آنچه یک ملت را نگه می‌دارد، نه شباهت‌ها، که همین حس مشترک تعلق است.

معلم، یکی استاد، یکی درگیر مسئولیت‌های ملی، یکی غرق در مسیر علم، یکی دانشجوی دکتری، دیگری در میانه‌ی راه. یکی سال‌ها در شریف مانده، دیگری کوتاه از این مسیر عبور کرده. شهرها متفاوت، رشته‌ها متفاوت، تجربه‌ها متفاوت. هر کدام، روایتی مستقل. در همین سردرگمی، نگاهی به تصویر دماوند افتاد؛ همان قله‌ی استوار که سال‌هاست در ادبیات ما، نشانه‌ی ایستادگی و هویت این سرزمین است. همان جا بود که فهمیدیم شاید مسئله، از ابتدا اشتباه طرح شده بود. قرار نیست میان این آدم‌ها شباهت ظاهری پیدا کنیم؛ قرار نیست همه‌شان یک مسیر را رفته باشند یا یک‌جا بایستاده باشند. با همه‌ی این تفاوت‌ها، یک نقطه هست که همه را به هم گره می‌زند؛ نقطه‌ای که نه به انتخاب آن‌ها، که به سرنوشتشان گره خورده؛ آن‌ها هدف ماشین کشتار و تجاوز دشمن بودند.



امیرعلی زلیکانی

۱۴۰۳ مهندسی صنایع

دقایق زیادی به تصاویر ۸ شهید شریف در جنگ اخیر خیره ماندم. نه از آن نگاه‌های گذرا؛ از آن خیره شدن‌هایی که آدم می‌خواهد چیزی را «بفهمد»، نه فقط «ببیند». بارها تلاش کردم از میان روایت‌ها، خبرها و نشانه‌های پراکنده‌ی زندگی‌شان، نخ مشترکی پیدا کنم؛ خطی که بتوان آن را نوشت، توضیح داد و به آن تکیه کرد. قطعات را کنار هم گذاشتم، زندگی‌ها را مرور کردم، اما هر بار چیزی کم بود. نه شباهتی روشن شکل می‌گرفت، نه روایتی که بتواند همه را در خود جمع کند. تصویر مانند مهره‌های دستبندی بودند که نخ محکمی برای اتصال به هم نداشتند. وقتی دقیق‌تر نگاه می‌کنی، تفاوت‌ها چشمگیرترند؛ یکی



علی قاری

۹۰ ارشد مهندسی دریا



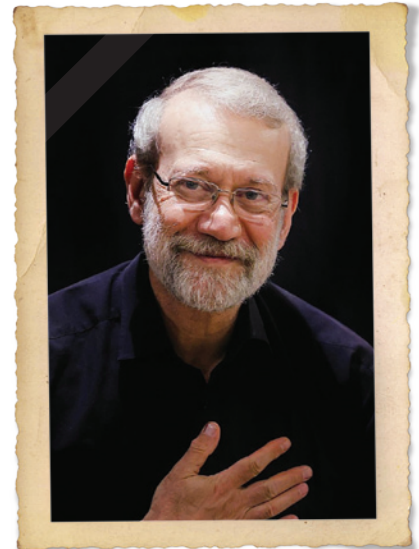
سلمان جبیری

ورودی ۹۵ کارشناسی علوم کامپیوتر



مرتضی لاریجانی

۸۷ کارشناسی مهندسی مکانیک  
۹۱ ارشد مهندسی مکانیک  
۹۳ دکترا مهندسی مکانیک



علی لاریجانی

۵۴ کارشناسی علوم رایانه



علیرضا زهدی

۸۰ کارشناسی مهندسی کامپیوتر



محمدسجاد طاهری

۹۸ کارشناسی مهندسی شیمی



علیرضا عسگری

۹۱ کارشناسی فیزیک



حمید امینی

۸۴ ارشد مهندسی مکانیک